

همایش بین‌المللی حافظه و میراث بین‌فرهنگی شرق و غرب (ایران، فرانسه، آلمان)

آبتین گلکار (استادیار گروه زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس)^۱

همایش بین‌المللی حافظه و میراث بین‌فرهنگی شرق و غرب (ایران، فرانسه، آلمان) با آن‌که حوزه‌ای گسترده‌تر از دانش ادبیات تطبیقی را در برمی‌گرفت، از نظر معرفی و مطرح کردن برخی مباحث نو برای علاقه‌مندان به ادبیات تطبیقی در ایران نیز فرصت بسیار مغتنمی بود. این همایش در اول و دوم آبان ۱۳۹۶ در دانشگاه شیراز، و با همکاری دانشگاه استراسبورگ فرانسه، برگزار و چهارده مقاله از پژوهشگران ایرانی و فرانسوی در آن ارائه شد.

علی‌رضا انوشیروانی، که به همراه کریستین میار^۲ وظیفه دبیر علمی همایش را بر عهده داشت، در آغاز این همایش به ضرورت راه‌اندازی رشته‌های بین‌رشته‌ای در علوم انسانی — از قبیل ادبیات تطبیقی — در دانشگاه‌های ایران اشاره کرد و گفت نگاه تکررشته‌ای و تک‌بعدی و جزیره‌ای علوم انسانی را در ایران از هم جدا ساخته و مانع پیشرفت آن شده است. او از «مطالعات حافظه» به مثابه دانشی نوپا یاد کرد که رشته‌هایی همچون تاریخ، فلسفه، جامعه‌شناسی، باستان‌شناسی، هنر، مطالعات رسانه‌ای، الهیات، روان‌شناسی، علوم سیاسی، اسطوره‌شناسی، مطالعات فرهنگی و علوم تجربی را در علوم انسانی گرد هم آورده است. وی در مقاله خود با عنوان «حافظه فرهنگی چیست؟» به معرفی مفاهیم و نظریات اصلی مطالعات حافظه فرهنگی پرداخت و از جمله به آرای امیل دورکهایم^۳، موریس البواکس^۴، پی‌یر نورا^۵، یان آسمان^۶ و آلایدا آسمان^۷ اشاره کرد و بر همین اساس حافظه فرهنگی را یک «نیروی اتحادبخش جمعی» دانست که در پیوند نزدیک با گذشته و آینده در شکل‌دهی به هویت جامعه مؤثر است.

1. Email: golkar@modares.ac.ir

2. Christine Maillard

3. Emile Durkheim

4. Maurice Halbwachs

5. Pierre Nora

6. Jan Assmann

7. Aleida Assmann

برخی از مقالات ارائه‌شده در همایش، ضمن ارتباط داشتن با مقوله «حافظه فرهنگی»، به طور کامل در چارچوب دانش ادبیات تطبیقی قرار می‌گرفتند. مانند مقاله مهنوش کی‌فرخی و مهناز رضایی که به مطالعه عناصر فرهنگی فرانسوی در **وغ‌وساهاب** هدایت اختصاص یافته بود و با ارائه نمونه‌هایی از اتفاقات، اسامی مکان‌ها و شخصیت‌هایی که اندیشه خواننده را به سوی فرانسه و فرهنگ و ادبیات آن سوق می‌دهند، به این نتیجه می‌رسید که هدایت بین دو فرهنگ ایرانی و فرانسوی در نوسان است. بهی حدائق با بررسی جلوه‌های بصری خیره‌کننده و شوک‌آور در نمایش‌های علی رفیعی، کارگردان معاصر، نمونه‌های مشابه چنین ترفندهایی را در تئاتر آنتون آر تو، تئاتر آسیایی (بالیایی و چینی) و کابوکی (تئاتر سنتی ژاپن) معرفی کرد و این اغراق بصری و تصویری را عامل مؤثری دانست که می‌تواند جایگاه زبان را در نمایش کمرنگ کند و به این شکل موجب تقویت جنبه‌های انسان‌گرایانه و فراملیتی ادبیات شود، ادعایی که البته می‌توان در چند و چون آن به بحث نشست.

یکی از حوزه‌های ادبیات تطبیقی که در ایران چندان مورد توجه قرار نگرفته، بررسی جایگاه یک نویسنده یا اثر در مملکتی دیگر است و سیمایی که به واسطه ترجمه‌ها یا عواملی دیگر از او در ذهن مردمی بیگانه ساخته شده است. هردو مقاله‌ای که در این همایش به روابط ادبی ایران و آلمان اختصاص یافته بودند، چنین رویکردی داشتند. کریستین میار، استاد تاریخ اندیشه و مطالعات آلمان دانشگاه استراسبورگ، به معرفی ترجمه و تفسیر یوزف گورس^۱ از شاهنامه فردوسی پرداخت و نشان داد دل‌بستگی‌های گورس به مکتب رمانتیسم و نگرش رمانتیک‌ها به شرق چگونه بر ترجمه او از متن فردوسی تأثیر گذاشته و گویی فضایی فرهنگی و معنوی پدید آورده که میان ایران و آلمان مشترک است. محمود حدادی نیز با ذکر تاریخچه حضور **دیوان شرقی - غربی** گوته در ایران، از یک سو به این باور نادرست اشاره کرد که در ایران تصور می‌شود گوته پس از آشنایی با حافظ و شعر فارسی به اوج شکوفایی رسید و گوته‌ای شد که ما امروز می‌شناسیم، در حالی که او شاهکارهای ماندگار خود را پیش از **دیوان شرقی - غربی** خلق کرده بود و اتفاقاً این دیوان

1. Antonin Artaud
2. Joseph Görres

حاصل دوره پختگی اوست، و از سوی دیگر، به این نکته پرداخت که گوته، برخلاف ادیبانی مانند لسینگ^۱ و هبل^۲، فقط مجذوب نقش مایه‌های اخلاقی ادبیات خاورزمین نشد و برخلاف برخی از رمانتیک‌های آلمانی به تقلید از قالب‌ها و عناصر صوری شعر فارسی روی نیاورد، بلکه پا به جهان عاطفی شعر فارسی گذاشت و نوعی شناخت درونی و عمیق از این ادبیات را در سروده‌های *دیوان شرقی - غربی* به ظهور رساند. مقاله دیگر این حوزه را یوهان اشتراوس^۳ از دانشگاه استراسبورگ ارائه کرد و با مطرح کردن نکاتی درباره تصویرشناسی مدرن شاعران کلاسیک در جهان ترک - ایرانی این مسئله را پیش کشید که تغییر مرزها یا زبان‌های رایج در کشورها چگونه می‌تواند بر تصویری که اقوام امروزی از برخی شاعران کلاسیک در ذهن دارند، تأثیر بگذارد.

یکی دیگر از مباحث مهم ادبیات تطبیقی که در این همایش جایگاه شاخصی داشت، تصویرشناسی و دیدن «خود» از دریچه چشم «دیگری» در قالب سفرنامه‌های جهانگردان خارجی است. فیلیپ داروس^۴، استاد ادبیات تطبیقی دانشگاه سوربون جدید، در مقاله‌ای با عنوان «ادبیات "غیرتخیلی": رابطه‌ای نوین با ادبیات، تاریخ و حافظه»، متونی مانند سفرنامه‌ها و روایت‌های تحقیقی و مستند را نیز آثاری ادبی معرفی کرد که فقط تناسب و ارتباط متقابل میان متن و تخیل در آنها به گونه متفاوتی شکل گرفته است، ولی به هر حال همه عناصر متن بازتاب‌دهنده نگرش ذهنی نویسنده نسبت به حافظه فرهنگی و تاریخی شخصی و جمعی است. ایلمیرا دادور با تکیه بر نظریات دانیل آنری پاژو^۵ و ژان مارک مورا^۶ دو سفرنامه متفاوت از دو فرانسوی را از دیدگاه تصویرشناختی بررسی کرد: سفرنامه ژان دیولافوا^۷ که در زمان ناصرالدین شاه قاجار به همراه همسر باستان‌شناسش برای حفاری در مکان‌های باستانی شهر شوش به ایران آمده بود، و سفرنامه *به سوی اصفهان*^۸ به قلم پی‌یر لوتی^۹، نویسنده فرانسوی، که در

1. Gotthold Ephraim Lessing
 2. Friedrich Hebbel
 3. Johann Strauss
 4. Philippe Daros
 5. Daniel Henry Pageaux
 6. Jean-Marc Moura
 7. Jane Dieulafoy
 8. Vers Ispahan
 9. Pierre Loti

اواخر سده نوزدهم از ایران دیدن کرده بود. در این مقاله نگاه این دو سفرنامه‌نویس به ایران و ایرانیان در آغاز و پایان سفرشان مقایسه و دگرگونی‌های این نگاه و علل آن‌ها بررسی شد. دومینیک لوی جهانبخت^۱، پژوهشگر دانشگاه استراسبورگ، نیز، با رویکردی کم‌وبیش مشابه، دو سفرنامه از ادموند یارولیمک^۲، مدیر شرکت هواپیماسازی یونکرس، را بررسی کرد و کوشید پاسخی به این پرسش بدهد که چه انگیزه‌ای باعث شد یارولیمک نزدیک به ده سال پس از نوشتن نخستین کتابش درباره سفر به ایران، کتابی دیگر درباره همان سفر بنگارد. لوی جهانبخت همچنین درباره این مطلب صحبت کرد که مسائل روز جهان تا چه حد می‌تواند در نگرش ما نسبت به گذشته ملت‌های دیگر مؤثر باشد. در مقاله‌ای دیگر، محمدرضا فارسیان و آزاده فسقوری بر اساس سفرنامه *راه و رسم جهان* به قلم نیکلا بوویه^۳ فرایند ساخت و بازساخت حافظه فرهنگی ایرانیان را به تصویر کشیدند و برخی از عناصر تشکیل‌دهنده این حافظه را، مانند نام‌های خاص مکان‌ها یا شاعران، آیین‌های مذهبی، و سنت‌های فرهنگی، از دید بوویه تشریح کردند. نادر نصیری مقدم، استاد و مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی و پژوهش‌های ایران‌شناسی دانشگاه استراسبورگ، نیز در مقاله خود یکی دیگر از انواع ادبیات «غیرتخیلی» را موضوع پژوهش قرار داد: مرسولات دیپلماتیک آلفونس نیکلا^۴، کنسول فرانسه در تبریز در دوره انقلاب مشروطه ایران، و نقش این مرسولات به عنوان منبعی جدید برای پژوهش‌های مربوط به این واقعه تاریخی.

دیگر مقالات همایش حافظه بین‌فرهنگی، نیز موضوعاتی داشتند که می‌تواند از لحاظ نگرش یا شیوه کار برای پژوهشگران بین‌رشته‌ای جالب توجه باشد: رمی گونل^۵، رئیس دانشکده الهیات پروتستان دانشگاه استرابورگ، به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های کودکی حضرت مسیح (ع) در منابع اسلامی و مسیحی و گفتمان حافظه‌ها پرداخت؛

1. Dominique Levi-Jahanbakht
2. Edmond Jarolimek
3. Nicolas Bouvier
4. Alphonse Nicolas
5. Rémi Gounelle

قاسم کاکایی، استاد فلسفه اسلامی دانشگاه شیراز، دربارهٔ گفت‌وگوی بین ادیان و مایستر اکهارت^۱ و ابن عربی سخن گفت؛ فیلیپ آلکساندر^۲، استاد دانشگاه لورن فرانسه، از روی عکس‌های قدیمی به‌جامانده از مشرق‌زمین کوشید به بازسازی گوشه‌هایی از تصویر این جهان در ذهن غربیان بپردازد و آرمیل لین پلنتیه^۳ با مطالعهٔ آثاری از آیین میترایسم که در شمال فرانسه یافت شده است، از نگاهی متفاوت به این آیین در مکانی دور از خاستگاه آن خبر داد. این همایش با سخنرانی حسین بیک‌باغبان، استاد بازنشستهٔ زبان و ادبیات فارسی دانشگاه استراسبورگ، دربارهٔ جایگاه فرهنگی و ادبی شیراز در جهان پایان یافت.



1. Meister Eckhart
2. Philippe Alexandre
3. Armelle Line Peltier